

سنجش، آغاز یادگیری

پاییز سال ۹۷، راهبران آموزشی استان‌ها با هدف «ارتقای سنجش یادگیری» گرد هم آمده بودند. قرار بود درباره هدف‌ها، پیامدها و سنجش گفت‌وگو کنیم. در جمع راهبرانی بودم که خودشان مدرس کارگاه‌های آموزش معلمان بوده‌اند؛ راهبرانی که علاوه بر مفاهیم حوزه سنجش، به خوبی روش‌های نو را به خدمت گرفته بودند. بنابراین، قرار نبود حجمی از اطلاعات را منتقل کنم، بلکه می‌خواستیم بار دیگر برگردیم و سنجش را طور دیگری ببینیم؛ آن طور دیگری که بتواند در خدمت کیفیت یادگیری باشد. با این سؤال شروع کردم که: چه سنجشی باکیفیت است؟ چه وقت از سنجش راضی هستیم؟

یا به عبارت دیگر، در پایان آموزش، یادگیرنده چه انجام دهد تا مطمئن شوید به هدف یادگیری رسیده‌است؟ بنابراین، اگر به‌عنوان مدرس هدف تعیین می‌کنم، همین کافی است؟ آیا به دانش آموز نشان می‌دهم چه انتظاری از او دارم؟ یا چه کاری کند تا بگویم به هدف رسیده‌است؟

برای هر طرح درس چقدر سطوح انتظار شما از دانش آموز روشن است؟ مثلاً در درس عربی، اگر دانش آموز فعل نهی را تعریف کند، کافی است؟ یا لازم است فعل نهی را در جمله تشخیص دهد؟ پاسخ به این سؤال‌ها ملاک‌های سنجش را روشن می‌کند. اما مهم‌ترین موضوعی که غالباً فراموش می‌کنیم، این است که درباره ملاک سنجش با دانش آموزان گفت‌وگو کنیم. او نمی‌داند باید چه کار کند تا در پایان تدریس به اهداف اولیه برسد.

یکی از راهبران مثال خوبی از تجربه دوران دانشجویی خود زد: «استاد ما ابتدای هر جلسه تدریس سؤالاتش را فهرست می‌کرد و روی تخته می‌نوشت و در طول جلسه یکی یکی به آن‌ها جواب می‌داد. به این ترتیب، هم ذهن ما با موضوع و سؤال‌ها درگیر می‌شد و هم می‌دانستیم تا پایان جلسه باید بتوانیم به این سؤال‌ها پاسخ دهیم.» روش این استاد سه مزیت داشت. اول ذهن یادگیرنده را با موضوع درگیر می‌کرد، دوم یادگیرنده می‌دانست تا پایان تدریس باید به چه سطحی برسد و سوم ملاک سنجش به روشنی پیش روی مدرس و یادگیرنده قرار داشت و یادگیرنده می‌توانست درباره یادگیری خود آگاهی نسبی پیدا کند. درواقع، نوعی از بازخورد به یادگیری در اختیار یادگیرنده قرار می‌گرفت.

بازخورد مؤثر مهم‌ترین رکن سنجش است. یعنی می‌خواهیم یادگیرنده از نقاط قوت و ضعف خود آگاه شود و نیز بداند برای تقویت نقاط قوت و رفع نقاط ضعف چه باید انجام دهد. گاهی بعد از آزمون و

نمی‌تواند بدون طراحی قبلی پیش برود. یک قاعده مهم در سنجش، «قاعده تأثیر برگشتی» است و به تأثیر ارزشیابی بر یادگیری اشاره دارد. این قاعده می‌گوید: «چیزی آموخته می‌شود که سنجیده می‌شود». درواقع، ارزشیابی مغناطیسی توجه است و مثل آهن‌ربایی عمل می‌کند که در میدان مغناطیسی خود همه عوامل را هم خط می‌کند. یعنی اگر سنجش در راستای اهداف مهم سامان پیدا کند، آن اهداف به عرصه یادگیری نیز سرایت می‌کنند. بنابراین، اگر برای من به‌عنوان معلم، هدفی مهم است، باید آن هدف را در برنامه و طرح سنجش خود پیاده کنم. حال با این سؤال مواجه می‌شویم که از کدام منبع می‌توانیم اهداف و انتظارات یادگیری را انتخاب کنیم؟

راهبران پاسخ‌های متعددی به این سؤال دادند؛ از جمله: کتاب درسی، همان چیزی که درس می‌دهیم و می‌خواهیم آزمون پایان سال را از روی آن بگیریم، راهنمای معلم و تجربه معلمی. و هم‌زمان از آنان خواستم نمونه ساده‌ای برای اهداف حوزه آموزشی خود مثال بزنند. مثلاً «دانش آموز بتواند فعل نهی را بشناسد، آن را از مضارع تشخیص دهد و به کار ببرد.» مثال‌ها نشان می‌داد راهبران به خوبی می‌توانند تعیین کنند در هر بخش از تدریس چه هدفی را دنبال می‌کنند.

اما پله بعدی سنجش، بلافاصله بعد از تصریح کردن هدف، چیست؟ از راهبران خواستم به این سؤال پاسخ دهند: چطور از سنجش خود متوجه می‌شوید دانش آموز کجای طیف هدف تعیین شده قرار دارد؟

برخی از جواب‌ها از این دست بود:

● بهترین نوع سنجش، آزمون عملکردی است، چون مهارت و دانش را هم‌زمان می‌سنجد؛

● سنجشی که دانش آموز را درگیر کند؛

● سنجشی که تفاوت‌های یادگیرندگان را می‌سنجد و به اندازه همه توانایی‌ها سؤال دارد؛ یعنی سؤال‌های ساده برای کم‌توان‌ها؛

● سنجشی که همه اهداف را در بر گیرد. به نظر می‌رسید هر کدام از معلمان گوشه‌ای از سنجش را به خوبی دیده‌اند. مجموع جواب‌ها می‌توانست از زاویه‌ای به سنجش مناسب بپردازد. اما در هیچ کدام از پیشنهادها پاسخ جامعی به سؤال داده نشد. ما «سنجش می‌کنیم تا کیفیت یادگیری را بهبود ببخشیم و با استفاده از سنجش بازخورد بگیریم؛ بازخوردی که به معلم و دانش آموز بگوید قدم بعدی کدام است؛ هم دانش آموز و هم معلم، هر دو باید بدانیم قدم بعدی برای بهبود یادگیری چیست.»

سنجشی بهترین است که از شرایط دنیای واقعی برآمده باشد؛ در دنیای واقعی، آیا فرد به تنهایی کار را انجام می‌دهد یا گروهی از اعضای سازمان همکاری می‌کنند تا به هدف خود برسند؟ اولویت دنیای واقعی ما با محفوظات کارکنان و دانش آن‌هاست یا توانایی جست‌وجوی منابع علمی و یافتن پاسخ؟ سنجش باید از همین ویژگی‌ها تبعیت کند. یادگیرنده را در فرایند کار گروهی بسنجد و به جای دانش، بر مهارت یافتن پاسخ و کسب معرفت متمرکز شود. از طرف دیگر، سنجش خوب مثل تدریس خوب است و



نمره این آزمون متغیر است؛
سیار است، یعنی هر بار که
اشکال دانش آموز برطرف
می شود و او به اهداف درس
می رسد، نمره نهایی اش
تغییر می کند. دانش آموز
فرصت دارد تا پایان ترم
ضعف هایش را برطرف
کند و نمره ۱۴ را به ۱۸
برساند. سوالات من هدف دار
و برای رفع اشکال هستند.
به این ترتیب، سنجش من
پایان کار نیست، بلکه آغازی
برای دانش آموزان، به ویژه
دانش آموزان متوسط و
ضعیف تر است.

کلاس نتایج را تجزیه و تحلیل می کنیم. اما
آیا دانش آموز می فهمد چه کار کند تا در
آزمون بعدی به پاسخ درست برسد؟ اگر یک
دور کل درس را روخوانی کند، در آزمون
بعدی موفق خواهد بود یا باید همه مسائل
کتاب را دوباره حل کند؟ یا خودش مسائل
جدیدی طرح کند؟ باز خورد مؤثر باید به
یادگیرنده بگوید قدم بعدی چیست و چه
باید کند. این باز خورد فقط در آزمون های
نوشتاری نیست و فعالیت ها و اهداف متعدد
را در بر دارد. اگر هنگام کار گروهی دعوا
شود، چه باز خوردی می دهیم؟ باز خوردی
که نقاط قوت گروه و نقاط ضعف را بداند و
برای هر دو اقدام کنند.

من به عنوان مدرس دانشگاه، زیر
برگه های تکالیف دانشجویان یادداشت
می گذارم. می دانم گاهی این کار
ساعت ها وقت می گیرد و برای تمام
جلسات و تمام اهدافم فرصت
نخواهم داشت این کار را انجام
دهم، ولی می توانم این کار را
برای اهداف مهم تر انجام دهم. پس
می توانم وقتم را به موضوعات اساسی
تدریس اختصاص دهم. خیلی وقت ها
کار معلم همین است که پر تکرار ترین
اشتباهات را پیدا کند و به آن ها بپردازد.
با هر رویکردی که تدریس را پیش
می بریم، مهم این است که سنجش
معتبری داشته باشیم، زیرا با تفاوت های
فردی و اهداف متعدد و سطوح متعدد هر
هدف مواجهیم. بهترین روش سنجش،
ترکیبی از روش هاست که باید متناسب
با این تفاوت ها طراحی شود. اگر معلم
طرح اولیه اهداف، انتظارات و ملاک ها را
به درستی بچیند و سنجش را بر مبنای
آن طراحی کند و تنوعی از
روش های سنجش را به خدمت
گیرد، سنجش را در خدمت
کیفیت یادگیری قرار داده است.
مثال پایانی کارگاه، مثالی
شیرین از درس عربی بود؛ مثالی که
برای من و شرکت کنندگان آموزنده
بود. یکی از راهبران آموزشی گفت:
من در کلاس هایم نمره بسیار
دارم و به این ترتیب نمره را در
خدمت هدف قرار داده ام. آزمون پایانی
اشکالاتم را به من و دانش آموز می گوید.